

## اجرای استاندارد حسابداری شماره ۱۷ و مربوط بودن دارایی‌های نامشهود

جواد مرادی<sup>۱\*</sup>، مهرداد صالحی<sup>۲</sup>

### چکیده

تأثیر دارایی نامشهود بر ارزش اطلاعات فراهم شده توسط شرکت‌ها، به مرور در حال تبدیل شدن به یک موضوع مهم می‌باشد و این مهم، با توسعه روزافزون مفاهیمی نظیر مدیریت دانش و سرمایه فکری اهمیتی بیش از پیش یافته است. هدف اصلی این پژوهش بررسی مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در دوران قبل و بعد از اجرای استاندارد حسابداری شماره ۱۷ می‌باشد. در این پژوهش، نخست مربوط بودن دارایی‌های نامشهود مورد بررسی قرار گرفته، سپس مربوط بودن این دارایی‌ها در دوران قبل و بعد از اجرای استاندارد حسابداری شماره ۱۷ بررسی شده است و در آخر، با استفاده از روش آماری تحلیل همبستگی و رگرسیون چندمتغیره و آزمون والد، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل اولسن (۱۹۹۵) آزمون گردیده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های ۲۵ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار بین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، سود باقیمانده و ارزش دفتری دارایی‌های نامشهود با ارزش بازار سهام می‌باشد؛ همچنین، نتایج نشان می‌دهند که مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در دوران قبل از اجرای استاندارد بیش‌تر از دوران بعد از آن است.

**واژه‌های کلیدی:** استاندارد حسابداری شماره ۱۷، مربوط بودن، دارایی‌های نامشهود.

۱. استادیار حسابداری، دانشگاه شیراز

۲. دانشجوی دکتری حسابداری و مربی حسابداری، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۱/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۲۵

\*نویسنده مسئول: جواد مرادی

jmoradi2005@yahoo.com

## ۱. مقدمه

بحث‌های زیادی در رابطه با دارایی‌های نامشهود و ارزش آن‌ها از دید استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری وجود دارد و موج عظیمی از تحقیقات علمی در زمینه دارایی‌های مبتنی بر دانش نظیر نیروی انسانی و تکنولوژی محوری سازمان انجام می‌شوند که بر مفاهیمی نظیر مدیریت دانش تکیه می‌کنند، اهمیت این عرصه علمی روز به روز در حال افزایش است. تأثیر شناسایی دارایی‌های نامشهود یا عدم شناسایی آن بر روی ارزش اطلاعات فراهم شده توسط شرکت‌ها، به مرور در حال تبدیل شدن به یک موضوع مهم می‌باشد (اسکینر، ۲۰۰۸).

از دیدگاه استانکو و همکاران (۲۰۱۴) دارایی‌های نامشهود، دارایی‌های هستند که شرکت‌های برتر را از رقبای خود ممتاز می‌کنند.

مکرراً در این مورد بحث شده است که شرکت‌های اقتصادی جدید، در فرآیند خلق ارزش، وابستگی بیش‌تری به دارایی‌های نامشهود (در مقایسه با دارایی‌های مشهود و مالی) مخصوصاً سرمایه انسانی و سایر دارایی‌های وابسته به دانش بشری دارند (مارتینز، ۲۰۰۳). معمولاً بخش قابل توجهی از دارایی‌های نامشهودی که در داخل سازمان ایجاد می‌گردد، در ترازنامه درج نمی‌شود. عدم درج این دارایی‌ها در صورت‌های مالی، منجر به نقصان در اطلاعات خواهد شد، زیرا مدیران، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران، از بعضی اطلاعات مربوط به شرکت، مطلع نمی‌شوند (کانیبانو و همکاران، ۲۰۰۱).

## ۲. بیان مسأله

درک عوامل مؤثر بر ارزش شرکت برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیش از اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری یا اعطای تسهیلات، امری حیاتی است. از آنجایی که اقتصاد دانش‌محور در حال تکامل یافتن است، روش ایجاد ارزش شرکتی از شیوه سنتی مبتنی بر دارایی‌های فیزیکی به دانش نامشهود منتقل شده است. از این‌رو در آینده نه چندان دور، ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود به موضوع مهمی در اقتصاد مبدل خواهد شد.

آلفردسون (۲۰۰۱)، حسابداری دارایی‌های نامشهود و تدوین استاندارد مربوطه را به عنوان کاری نیمه تمام توصیف می‌کند که باید مراحل تکامل خود را طی نمایند. انتشار استاندارد حسابداری دارایی نامشهود با توجه به روش‌های حسابداری خاص مندرج در آن، موجب ظهور مسائل جدید و نگرانی‌هایی در رابطه با کاربردی بودن اطلاعات صورت‌های مالی در بین استفاده‌کنندگان شده است. این مسئله تا حد زیادی به این علت است که تحقیقات انجام شده، نشان دادند که به رغم آزادی عمل زیاد مدیران در زمینه حسابداری دارایی‌های نامشهود در دوره

پیش از استاندارد، اطلاعات مربوط به این دارایی‌ها که توسط شرکت‌ها ارائه شده است، از سوی بازار، اطلاعات نامربوط محسوب شده‌اند (احمد و فالک، ۲۰۰۶).

منبع ارزش، ثروت و رشد اقتصاد امروزی، در درجه اول، مشتق شده از ایجاد و دستکاری دارایی‌های نامشهود بوده است (لیو، ۲۰۰۷). در طی ۵۰ سال گذشته، نسبت دارایی‌های مشهود به دارایی‌های نامشهود، به میزان بسیار زیادی تغییر کرده است. تحقیقات انجام گرفته توسط سازمان‌های مختلف، نشان دهنده افزایش دارایی‌های نامشهود می‌باشد.

معلوم شده است که با وجود اهمیت دارایی‌های نامشهود و موانع موجود برای تشخیص آن‌ها، سیستم‌های گزارشگری مالی جاری، ممکن است به میزان قابل ملاحظه‌ای، ارزش دارایی‌های مالی را کمتر از آنچه واقعاً هست نشان دهند، و در نتیجه باعث کاهش میزان مربوط بودن آن‌ها شوند (ویات، ۲۰۰۵).

این تحقیق، به میزان مربوط بودن دارایی‌های نامشهود، در دوران پیش از به کار بستن استاندارد حسابداری شماره ۱۷ و همچنین دوران پس از این استاندارد می‌پردازد. یکی از دلایل انجام این تحقیق، بحث‌های موجود در رابطه با دارایی‌های نامشهود بوده است. تاکنون تحقیقات اندکی بوده‌اند که به شیوه‌ای تجربی به بررسی این مسئله پرداخته باشند، که این امر باعث به وجود آمدن شکافی در زمینه تحقیقات مربوط به این موضوع گشته است. در این تحقیق، دارایی‌های نامشهود را می‌توان یک دارایی قابل تشخیص غیرپولی و فاقد ماهیت عینی تعریف کرد. نمونه‌های رایج از سرفصل‌های کلی فوق، نرم‌افزار رایانه‌ای، حق اختراع، حق تألیف، حق تکثیر یا نمایش فیلم‌های سینمایی و ویدیویی، سرقتی محل کسب (حق کسب یا پیشه یا تجارت)، حق استفاده از خدمات عمومی، حق امتیاز تولید یا خدمات است (استاندارد حسابداری شماره ۱۷).

تاکنون تحقیقات اندکی به بررسی تجربی موضوع مربوط بودن دارایی‌های نامشهود پرداخته‌اند، که این امر باعث به وجود آمدن شکافی در تحقیقات این حوزه گشته است. بنابراین هدف از تحقیق حاضر بررسی مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در دوران قبل و بعد از اجرای استاندارد حسابداری شماره ۱۷ می‌باشد.

### ۳. ادبیات و پیشینه پژوهش

اگرچه متون علمی که به بررسی ارتباط میان داده‌های حسابداری و ارزش بازار سهام پرداخته‌اند، از مقاله‌های الهام‌بخشی همچون مقاله‌های میلر و مودیگلیانی (۱۹۵۸)، بیور (۱۹۶۸) و بال و

براون (۱۹۶۸) نشأت گرفته‌اند، اما اصطلاح "مربوط بودن" به صورتی که برای اطلاعات مربوط به ارقام حسابداری به کار می‌رود اولین بار توسط امیر و همکاران (۱۹۹۳) معرفی شده است. سپس در تحقیقات بعدی از اصطلاح "مربوط بودن" جهت نشان دادن میزان ارتباط ارقام حسابداری مندرج در صورت‌های مالی با ارزش شرکت نشان می‌دهند. ارزش‌های بازار نظیر قیمت سهام و میزان بازدهی سهام متداول‌ترین معیارهای سنجش ارزش شرکت در تحقیقات گزارشگری مالی می‌باشند.

فادور و میرونوس (۲۰۱۳) در مطالعه خود به بررسی و تعیین دیدگاه افراد خبره در حسابداری درباره دارایی‌های نامشهود پرداختند. در مطالعه آن‌ها ۱۱۱ فرد خبره شرکت کرده‌اند. و ۵۵/۸۶ درصد آن‌ها معتقدند صورت‌های مالی سنتی قادر به تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود نمی‌باشد و از این رو منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان معتقد بودند ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود می‌تواند نقش بسیار مهمی را در توسعه استراتژی و خلف نوآوری‌ها ایفا نماید.

هیگینز (۲۰۱۳) به مطالعه این موضوع پرداخت که آیا تحلیلگران بورس از اطلاعات دارایی‌های نامشهود برای پیش‌بینی سود شرکت‌ها بهره می‌برند یا خیر؟ بدین منظور با استفاده از روش‌های سری زمانی، اطلاعات شرکت‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج نشان داد که هم تحلیلگران بورس و هم مدل‌های که استفاده می‌کنند، رابطه مثبتی با دارایی‌های نامشهود دارند. همچنین تحلیلگران از اطلاعات دارایی‌های نامشهود به اندازه کافی استفاده نمی‌کنند. اخیراً جوی و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و حق امتیاز بر بازده سهام شرکت‌ها و همچنین فروش خالص، اثر معناداری دارد.

تحقیقات (لیو و زاروین، ۲۰۰۷) کاهش میزان مربوط بودن اطلاعات مالی را به گزارش نامناسب دارایی‌های نامشهود نسبت داده‌اند. ارزش هر شرکت را می‌توان بر اساس ارزش فعلی دارایی‌های عملیاتی آن که نتیجه سرمایه‌گذاری‌های قبلی هستند و ارزش فعلی سرمایه‌گذاری‌های سودآور آتی یا فرصت‌های رشد آن شرکت تعریف نمود (مایرز، ۱۹۷۷). همچنین تحقیقات قبلی نشان داده‌اند شیوه حسابداری بر میزان مربوط اطلاعات حسابداری، از جمله اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود، تأثیر می‌گذارند (کوسندیس، ۲۰۰۵).

در بورس اوراق بهادار تهران نیز، رحمانی و قاسمی (۱۳۹۲) دریافتند سود خالص و سرقفلی گزارش شده رابطه قوی و معنی‌داری با قیمت سهام دارند.

ستایش و نمازی (۱۳۹۴) در پژوهشی با بررسی ارتباط بین *دارایی‌های نامشهود* با سودآوری و ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که بین تغییرات

دارایی‌های نامشهود و تغییرات سود کوتاه‌مدت و بلندمدت، بازده دارایی‌ها و تغییرات ارزش شرکت رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین، تغییرات حساب‌های دریافتی و هزینه‌های اداری و فروش، این روابط را تقویت نمی‌کنند. افزون بر این، طی دوره زمانی پژوهش، اهمیت دارایی‌های نامشهود نسبت به ارزش بازار، به طور معنادار افزایش یافته است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در هر یک از مراحل چرخه عمر یافتند که از بین مراحل مختلف چرخه عمر شرکت، دارایی‌های نامشهود در مرحله بلوغ و افول، بیش‌تر مربوط هستند.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی به شناسایی عوامل مؤثر در تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن‌ها در این تحقیق به بررسی میزان تأثیر پانزده متغیر ورودی (شامل تعداد اعضای هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، اندازه شرکت، اهرم، دارایی‌های ثابت، رشد فروش، سودآوری، پرداخت سود، سن شرکت، تعداد کارکنان، متنوع‌سازی، ساختار مدیریت، صادرات، مخارج تحقیق و توسعه و هزینه‌های بازاریابی و تبلیغات) بر متغیر ارزش شرکت بودند. یافته‌های حاصل از پژوهش آن‌ها حاکی از اهمیت ویژگی‌های خاص شرکتی در وهله نخست، حاکمیت شرکتی در رتبه دوم، ساختار مالکیت در رتبه سوم و سرمایه نامشهود در رتبه چهارم در تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود می‌باشد.

مظاهری (۱۳۹۳) در طی تحقیق با استفاده از رویکرد انتقادی، به بررسی ادبیات موضوعی دارایی‌های نامشهود و برخی چالش‌های پیش‌رو رویه‌های حسابداری این دارایی‌ها پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که افشای اختیاری اطلاعات دارایی‌های نامشهود به عنوان راهکاری به منظور برطرف کردن مشکلات شناسایی این دارایی‌ها در صورت‌های مالی معرفی شده است.

استاندارد حسابداری شماره ۱۷ با عنوان دارایی‌های نامشهود که توسط مجمع عمومی سازمان حسابرسی تصویب شده است، جایگزین استاندارد حسابداری شماره ۱۷ قبلی و همچنین استاندارد حسابداری شماره ۷ با عنوان حسابداری مخارج تحقیق و توسعه می‌شود و الزامات آن در مورد صورت‌های مالی که دوره مالی آن‌ها از تاریخ ۱۳۸۶/۱/۱ و بعد از آن شروع می‌شود، لازم‌الاجراست. واحدهای تجاری معمولاً منابعی را صرف تحصیل، توسعه، نگهداری و بهبود دارایی‌های نامشهود از قبیل دانش فنی یا علمی، طراحی و اجرای سیستم‌های جدید، حق امتیاز و علائم تجاری می‌کنند. نمونه‌های رایج از سرفصل‌های کلی فوق، نرم‌افزار رایانه‌ای، حق اختراع، حق تألیف، حق تکثیر یا نمایش فیلم‌های سینمایی و ویدیویی، سرقتی محل کسب (حق کسب

یا پیشه یا تجارت)، حق استفاده از خدمات عمومی، حق امتیاز تولید یا خدمات است (کمیتة تدوین استانداردهای حسابداری، استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸).

دلایل تجدید نظر در این استاندارد را می‌توان با هدف هماهنگی بیش‌تر با استانداردهای بین‌المللی حسابداری و بهبود استاندارد قبلی، انجام شده عنوان کرد. تغییرات اصلی انجام گرفته در مورد این استاندارد شامل:

(۱) حسابداری مخارج تحقیق و توسعه که قبلاً به طور جداگانه در استاندارد حسابداری شماره ۷ با عنوان "حسابداری مخارج تحقیق و توسعه" مطرح شده بود در این استاندارد ادغام شده است.  
(۲) در استاندارد حسابداری قبلی، دارایی نامشهود به یک دارایی غیر پولی و فاقد ماهیت عینی اطلاق می‌شد که حائز معیارهای زیر باشد:

الف) به منظور استفاده در تولید یا عرضه کالاها یا خدمات، اجاره به دیگران یا برای مقاصد اداری توسط واحد تجاری نگهداری شود، و

ب) با قصد استفاده طی بیش از یک دوره مالی توسط واحد تجاری تحصیل شده باشد. در استاندارد جدید، هر دو معیار مزبور حذف شده است.

(۳) در استاندارد حسابداری قبلی، فرض شده بود که همه دارایی‌های نامشهود، عمر مفید معین دارند. ضمناً یک فرض قابل رد وجود داشت مبنی بر اینکه عمر مفید دارایی نامشهود از زمان بهره‌برداری از آن، از بیست سال تجاوز نمی‌کند. در استاندارد جدید این فرض قابل رد حذف شده است، ضمن اینکه دارایی‌های نامشهود به دو گروه با عمر مفید معین و عمر مفید نامعین طبقه‌بندی شده است. دارایی‌های نامشهود با عمر مفید نامعین مستهلک نمی‌شود.

#### ۴. فرضیه‌های پژوهش

حسابداری و گزارشگری مالی به عنوان یک سیستم اطلاعاتی، اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری را در اختیار تصمیم‌گیرندگان را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد. در این میان اهمیت دارایی‌های نامشهود بویژه در برخی شرکت‌های وابسته به فناوری‌های اقتصادی، بر کسی پوشیده نیست و انتظار می‌رود در ارزیابی این قبیل شرکت‌ها توسط بازار، دارای اثری بااهمیت باشد. بنابراین فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌گردد:

**فرضیه اول:** دارایی‌های نامشهود دارای ارزش اطلاعاتی جهت پیش‌بینی ارزش شرکت می‌باشد.  
**فرضیه دوم:** سطح مربوط بودن دارایی‌های نامشهود بعد از اجرای استاندارد افزایش یافته است.

## ۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر درصدد بررسی اجرای استاندارد حسابداری شماره ۱۷ و مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. لذا این پژوهش کاربردی است. از جهت روش استنتاج، همچنین توصیفی - تحلیلی (استقرایی) می‌باشد. شایان ذکر است که، روش تحقیق از جهت طرح تحقیق نیز پس رویدادی می‌باشد.

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای شامل کتب و مقالات تخصصی، پایان‌نامه‌ها و جستجو در پایگاه‌های اینترنتی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به پیشینه تحقیق و ادبیات موضوع استفاده می‌شود. ابزار مورد استفاده شامل فیش و جداول خلاصه اطلاعات می‌باشد. نحوه گردآوری بدین صورت که گزارش‌های مربوط به خلاصه تصمیمات مجمع عمومی شرکت‌های نمونه عادی منشره بورس و همچنین گزارش‌های فعالیت‌های سالانه هیأت مدیره که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام ارائه می‌شود را دریافت و نیز با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین اطلاعات مورد نیاز استخراج می‌گردد.

دوره زمانی تحقیق، سال‌های مالی ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۳ را در بر می‌گیرد. جامعه آماری مورد نظر تحقیق، کل شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای انجام این تحقیق، نمونه‌های از تمامی شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس معیارهای زیر انتخاب کرده‌ایم. در نهایت ۲۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردیده است.

۱- از ابتدای سال ۱۳۸۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

۲- به منظور قابلیت مقایسه داشتن ارقام، پایان سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه

باشد.

۳- داده‌های مورد نظر برای آن‌ها، از منابع مختلف در دسترس باشد.

۴- شرکت مزبور در دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشد.

لازم به ذکر است که متغیرهای این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Excel محاسبه شده و سپس تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیات پژوهش، به همراه نتایج آن با توجه به خروجی‌های به دست آمده از نرم‌افزار SPSS و معنی‌داری ضرایب و مقایسه آن‌ها با یکدیگر انجام می‌گردد.

### ۵.۱. مدل و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری مربوط بودن دارایی‌های نامشهود که از رابطه زیر به دست می‌آید از مدل پیشنهاد شده توسط (اولسن)، استفاده شده است. این مدل به شرح زیر است:

$$MV_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 BV_{it} + \alpha_2 AE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$MV_{it} = \text{ارزش بازار سرمایه شرکت } i, \text{ } ۹۰ \text{ روز پس از پایان سال مالی } t$$

$$BV_{it} = \text{ارزش دفتری سرمایه شرکت } i, \text{ در پایان سال مالی } t$$

$$AE_{it} = \text{سود باقیمانده}$$

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳) مذکور با در نظر گرفتن *دارایی‌های نامشهود* به شرح زیر تعدیل گردیده است:

$$MV_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ADJ\_BV_{it} + \alpha_2 IA_{it} + \alpha_3 AE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$MV_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ADJ\_BV_{it} + \alpha_2 AE_{it} + \alpha_3 DPOST * IA_{it} + \alpha_4 DPAST * IA_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

$ADJ\_BV_{it}$  = ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه شرکت  $i$ ، در پایان سال مالی  $t$  منهای ارزش دفتری *دارایی‌های نامشهود* شرکت.

$IA_{it}$  = *دارایی‌های نامشهود* شرکت  $i$ ، در پایان سال مالی  $t$ .

$AE_{it}$  = سود باقیمانده که اختلاف سود عملیاتی و هزینه سرمایه مبتنی بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تعیین شده است.

$DPOST$  = دوران (۶ سال) بعد از اجرای استاندارد حسابداری شماره ۱۷- *دارایی‌های نامشهود*

$DPAST$  = دوران (۶ سال) قبل از اجرای استاندارد حسابداری شماره ۱۷- *دارایی‌های نامشهود*

متغیرهای تحقیق‌های همبستگی به دو نوع مستقل و وابسته تقسیم می‌شوند. متغیر مستقل، متغیری است، که از طریق آن متغیر وابسته تبیین یا پیش‌بینی می‌شود، و توسط پژوهشگر اندازه‌گیری، دستکاری یا انتخاب می‌شود، تا تأثیر یا رابطه آن با متغیر دیگر اندازه‌گیری شود (دلاور، ۱۳۸۶). متغیرهای مستقل تحقیق عبارتند از: ارزش دفتری سرمایه شرکت، سود های غیر عادی، ارزش دفتری سرمایه شرکت منهای *دارایی‌های نامشهود* و *دارایی‌های نامشهود* شرکت. و متغیر وابسته: متغیر وابسته متغیری است که مشاهده یا اندازه‌گیری می‌شود تا تأثیر متغیر مستقل بر آن معلوم شود. متغیر وابسته تحقیق، ارزش بازار سرمایه شرکت می‌باشد.

## ۶. آزمون فرضیه‌های پژوهش

### ۶.۱. آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

آماره توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.



جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف استاندارد
ارزش بازار سرمایه شرکت	۲/۱۶۵۱	۰/۶۰۵۸	۰/۰۰۲۵	۷۸/۸۹۷۵	۷/۴۹۵۹
ارزش دفتری سرمایه شرکت	۰/۷۵۳۹	۰/۳۵۱۳	-۰/۰۵۳۷	۷/۸۲۶۴	۱/۱۷۸۱
سود باقیمانده	۰/۳۳۹۲	۰/۱۲۷۳	-۰/۲۸۸۴	۴/۹۴۳۵	-۰/۷۳۳۹
ارزش دفتری سرمایه شرکت منهای دارایی‌های نامشهود	۰/۷۳۳۹	۰/۳۴۹۹	-۰/۰۵۸۴	۷/۷۵۶۲	۱/۱۶۱۷
دارایی‌های نامشهود شرکت	۰/۰۲۰۰	۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۰۱	-۰/۱۴۱۲	-۰/۰۲۸۵

با توجه به آماره توصیفی متغیرهای تحقیق ارزش بازار سرمایه میانگین بیش‌تری نسبت به سایر متغیرهای دارد، همچنین دارایی‌های نامشهود شرکت دارای کم‌ترین میانگین می‌باشد؛ که این مورد حاکی از آن است ارزش دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های بورسی نادیده گرفته شده است و سهم کمی در دارایی‌های شرکت دارند و به عبارت دیگر شرکت‌ها اهمیت کاربرد و افشای این نوع دارایی‌ها را نادیده گرفته‌اند. مکرراً در این مورد بحث شده است که شرکت‌های اقتصادی جدید، در فرآیند خلق ارزش، وابستگی بیش‌تری به دارایی‌های نامشهود (در مقایسه با دارایی‌های مشهود و مالی) مخصوصاً سرمایه انسانی و سایر دارایی‌های وابسته به دانش بشری دارند (مارتینز، ۲۰۰۳). معمولاً بخش قابل توجهی از دارایی‌های نامشهودی که در داخل سازمان ایجاد می‌گردد، در ترازنامه درج نمی‌شود. عدم درج این دارایی‌ها در صورت‌های مالی، منجر به نقصان در اطلاعات خواهد شد، زیرا مدیران، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران، از بعضی اطلاعات مربوط به شرکت، مطلع نمی‌شوند (کانیبانو و همکاران، ۲۰۰۱).

## ۶.۲. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

**فرضیه اول:** دارایی‌های نامشهود برای پیش‌بینی ارزش شرکت اطلاعات مربوطی فراهم می‌کند.

$$MV_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ADJ\_BV_{it} + \alpha_2 IA_{it} + \alpha_3 AE_{it} + \varepsilon_{it}$$

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، ضریب و مقدار معناداری آماره  $t$  محاسبه شده برای متغیر دارایی‌های نامشهود بیانگر این است که رابطه مثبت و معناداری بین دارایی‌های نامشهود و ارزش بازار سرمایه وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود. بنابراین دارایی‌های نامشهود در تعیین ارزش شرکت نقش بااهمیتی ایفا می‌کنند و اطلاعات مربوطی فراهم می‌آورند.

جدول ۲: نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل اول - فرضیه پژوهش

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
مقدار ثابت	-۰/۸۰۵	۰/۵۵۱	-۱/۴۶۲	۰/۱۴۵
ارزش دفتری سرمایه شرکت منهای دارایی‌های نامشهود	۴/۷۸۰	۰/۴۹۵	۹/۶۵۷	۰/۰۰۰
دارایی‌های نامشهود شرکت	۲/۹۷۱	۱/۰۳۱	۲/۸۸۱	۰/۰۰۴
سود باقیمانده	-۰/۵۷۵	۰/۳۲۳	-۲/۷۷۹	۰/۰۱۷

### ۶.۳. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: سطح مربوط بودن دارایی‌های نامشهود بعد از اجرای استاندارد افزایش یافته است.

$$MV_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ADJ\_BV_{it} + \alpha_2 AE_{it} + \alpha_3 DPOST_{it} * IA_{it} + \alpha_4 DPA_{it} * IA_{it} + \varepsilon_{it}$$

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، ضریب و مقدار معناداری آماره t محاسبه شده برای متغیر دارایی‌های نامشهود بیانگر این است که رابطه مثبت و معناداری بین دارایی‌های نامشهود و ارزش بازار سرمایه وجود دارد. اما دارایی‌های نامشهود شرکت بعد از اجرای استاندارد ضریب کمتری نسبت به قبل از استاندارد دارد ( $\alpha(4) < \alpha(3)$ ) بنابراین فرضیه دوم رد می‌شود.

جدول ۳: نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل دوم - فرضیه پژوهش

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
مقدار ثابت	-۰/۹۱۸	۰/۵۱۲	-۱/۷۹۲	۰/۰۷۴
ارزش دفتری سرمایه شرکت منهای دارایی‌های نامشهود	۴/۰۲۸	۰/۴۷۲	۸/۵۲۵	۰/۰۰۰
سودهای غیر عادی	-۰/۷۶۵	۰/۳۰۳	-۲/۵۲۰	۰/۰۱۲
دارایی‌های نامشهود شرکت قبل از اجرای استاندارد	۶۶/۶۵۱	۱۷/۹۰۴	۳/۹۲۲	۰/۰۰۰
دارایی‌های نامشهود شرکت بعد از اجرای استاندارد	۳۲/۹۹۸	۱۲/۵۲۶	۲/۷۴۰	۰/۰۱۳

### ۷. نتایج و پیشنهادها پژوهش

هائتر و دیگران (۲۰۰۵) عقیده دارند، هدف از تمامی فعالیت‌های تجاری، افزایش ارزش عوامل تولید (داده‌ها) یا منابع مصرفی در روند تجارت می‌باشد. توفیق یک شرکت در این فرآیند ارزش‌سازی، نشان دهنده توانایی رقابتی بیشتر آن شرکت و توانایی آن شرکت جهت دوام

آوردن و پیشی گرفتن از شرکت‌های رقیب می‌باشد. در نتیجه، محرک‌های ارزش در این مورد به عواملی مربوط می‌شوند که ارزش یک محصول یا خدمات را به شکلی که برای مشتریان قابل درک باشد افزایش می‌دهد که متعاقباً باعث ایجاد یا انگیزش میزان درآمد، ثروت، رشد و موفقیت شرکت می‌گردد (ایتنر، ۲۰۰۸). دارایی‌های نامشهود محرک‌های ارزش در اقتصاد کنونی می‌باشند. بنابراین چنین توصیه شده است که حرفه حسابداری باید به میزان کافی این محرک‌ها را به حساب آورد (گوتتری، ۲۰۰۱). به علاوه، شرکت‌های سنتی‌تر، جهت تولید ارزش، در حال تکیه به دارایی‌های نامشهود می‌باشند (اسکینر، ۲۰۰۸). همانطوری که قبلاً ذکر شد، شرکت‌های اقتصادی جدید، در فرآیند ارزش‌سازی، در مقایسه با دارایی‌های مشهود و مالی، وابستگی بیش‌تری به دارایی‌های نامشهود دارند (مارتینز، ۲۰۰۳).

آزمون‌های انجام شده در این تحقیق حاکی از مربوط بودن متغیرهای مستقل (سود باقیمانده، ارزش دفتری سرمایه شرکت منهای دارایی‌های نامشهود و دارایی‌های نامشهود شرکت) در نظر گرفته شده در مدل مورد بررسی است و کلیه فرضیه‌های تحقیق، تأیید شد.

نتایج تحقیق نشان داد که دارایی‌های نامشهود در تعیین ارزش شرکت نقش با اهمیتی را ایفا می‌کنند و اطلاعات مربوطی فراهم می‌آورند. همچنین، نتایج نشان می‌دهند که مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در دوران قبل از اجرای استاندارد بیش‌تر از دوران بعد از آن است. که این مورد می‌تواند بر کارایی و اثربخشی اجرای استاندارد حسابداری شماره ۱۷ بر شرکت‌ها مورد بحث قرار بگیرد.

با توجه به اهمیت روزافزون دارایی‌های نامشهود در ارزش‌آفرینی برای شرکت، توجه بیش‌تر به این مقوله و ارتقای رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی به منظور ارزیابی صحیح این دارایی‌ها حائز اهمیت است. بنابراین، لازم است که اشخاص و سازمان‌های تأثیرگذار نظیر استانداردهاگذاران، سرمایه‌گذاران و محققان، در زمینه ارزیابی دارایی‌های نامشهود اهتمام ویژه داشته باشند. با توجه به نتایج آزمون مبنی بر اینکه دارایی‌های نامشهود با ارزش بازار شرکت رابطه مثبت و معناداری دارد، تمرکز بر استفاده بیش‌تر از این دارایی‌ها می‌تواند افزایش ارزش بازار شرکت و خلق فرصت‌های مساعد سرمایه‌گذاری جهت پیشبرد اهداف شرکت را به ارمغان آورد. به منظور انجام تحقیق‌های آتی در این زمینه، موضوع‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- می‌توان این پژوهش را با شرکت‌های غیر بورسی و یا حتی اهمیت این موضوع در گزارش حسابرسان هم بررسی گردد.

۲- می‌توان پژوهش را با تأکید بر نسبت استفاده شرکت‌های بورسی و غیر بورسی از دارایی‌های نامشهود به دارایی‌های جاری و ثابت مشهود بررسی کرد.

## ۸. محدودیت‌های پژوهش

- به دلیل اینکه بانک‌ها، بیمه‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری دارای ماهیت متفاوت با شرکت‌های دیگر هستند در این پژوهش لحاظ نگردیده‌اند.
- شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار که در صورت‌های مالی خود دارایی‌های نامشهود را افشاء کرده بودند، تعداد خیلی کمی داشتند و همچنین مبلغ ذکر شده این دارایی‌ها در صورت‌های مالی نسبت به بقیه دارایی‌ها ناچیز بودند.
- مشکل بعدی این مسأله می‌باشد که هیچیک از گزارش‌های منتشرشده از طرف شرکت‌ها اطلاعات جامع و کاملی را در بر ندارد و متأسفانه ظاهر این امر اینگونه نمود می‌کند که مسئولین بازار و تدوین‌کنندگان استانداردها هیچ اقدام و الزامی در راستای هماهنگ‌سازی و جامع‌سازی اطلاعات منتشره از طرف شرکت‌ها انجام نمی‌دهند.

## منابع

- رحمانی، ع. و قاسمی، م. (۱۳۹۲). "ارتباط ارزشی سرقفلی گزارش شده". پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳ (۱)، ۱۱۱-۱۲۴.
- ستایش، م.ح. و نمازی، ن.ر. (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط بین دارایی‌های نامشهود با سودآوری و ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱ (۲۶)، ۴-۲۷.
- مشایخی، ب.، بیرامی، ه. و بیرامی، ه. (۱۳۹۳). "تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی". پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴ (۲)، ۲۳۳-۲۳۸.
- مرادی، ج.، ولی‌پور، ه. و صالحی، م. (۱۳۹۳). "مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در هریک از مراحل چرخه عمر". پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳ (۱۱)، ۲۳۷-۲۵۰.
- مظاهری، ا. (۱۳۹۳). "رویه‌های حسابداری دارایی‌های نامشهود و چالش‌های پیش رو". مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۳ (۹)، ۷۴-۸۷.
- کمیته فنی سازمان حسابرسی، استانداردهای حسابداری، استاندارد شماره ۱۷، انتشارات سازمان حسابرسی، ۱۳۸۸.

Ahmed, K. and Falk, H. (2006). "The Value Relevance of Management's Research and Development Reporting Choice: Evidence from Australia". *Journal of Accounting and Public Policy*, 25 (3): 231-264.

- Alfredson, K. (2001). "Accounting for Identifiable Intangibles-An Unfinished Standard- Setting Task". *Australian Accounting Review*, 11 (2): 12-21.
- Amir, E., Harris, T.S. and Venuti, E.K. (1993). "A Comparison of the Value-Relevance of U.S. Versus Non-U.S. GAAP Accounting Measures Using Form 20-F, Reconciliations". *Journal of Accounting Research*, 31 (1): 230-264.
- Ball, R. and Brown, P. (1968). "An Empirical Evaluation of Accounting Numbers". *Journal of Accounting Research*, 6 (2): 159-178.
- Beaver, W.H. (1968). "The Information Content of Annual Earnings Announcements". *Journal of Accounting Research*, 6 (1): 67-92.
- Cañibano, L., García-Ayuso, M. and Sánchez, P. (2001). "Accounting for Intangibles: A Literature Review". *Journal of Accounting Literature*, 19 (1): 102-130.
- Etner, W.H. (2008). "Perspectives on Recent Capital Market Research". *The Accounting Review*, 77 (2): 453-474.
- Fadur, C. and Mironius, M. (2013). "Study on the Perception of Accounting Professionals Concerning Intangible Assets and Intangible Capital". *Theoretical and Applied Economics*, 2 (4): 77-98.
- Guthrie, J. (2001). "The Management, Measurement and the Reporting of Intellectual Capital". *Journal of Intellectual Capital*, 2 (1): 27-41.
- Hanter, B.H. and Manry, D. (2005). "The Value-Relevance of R&D and Advertising Expenditures: Evidence from Korea". *The International Journal of Accounting*, 39 (2): 155-173.
- Higgins, H. (2013). "Can Securities Analysts Forecast Intangible Firms Earnings?". *International Journal of Forecasting*, 29 (1): 155-174.
- Jui, H., Feng, C., Chen, Y. and Wei-Chieh, W. (2013). "An Empirical Study on the Relationship between R&D and Financial Performance". *Journal of Applied Finance & Banking*, 3 (5): 107-119.
- Kousenidis, D.V. (2005). "Earnings>Returns Relation in Greece: Some Evidence on the Size Effect and on the Life-Cycle Hypothesis". *Managerial Finance*, 31 (2): 24-54.
- Lev, B. and Zarowin, P. (2007). "Capitalization of R&D and the Informativeness of Stock Prices". *European Accounting Review*, 16 (4): 703-726.

- Martinez, I. (2003). "The Impact of Firm-Specific Attributes on the Relevance in Earnings and Cash-Flows: A Non-Linear Relationship between Stock Returns and Accounting Numbers". *Review of Accounting & Finance*, 2 (1): 16-40.
- Miller, M.H. and Modigliani, F. (1958). "The Cost of Capital, Corporation Finance and the Theory of Investment". *American Economic Review*, 48 (4): 261-297.
- Myers, S.C. (1977). "Determinants of Corporate Borrowing". *Journal of Financial Economics*, 5 (2): 147-175.
- Ohlson, J.A. (1995). "Earnings, Book Values, and Dividends in Equity Valuation". *Contemporary Accounting Research*, 11 (2): 661-687.
- Skinner, D.J. (2008). "The Investment Opportunity Set and Accounting Procedure Choice". *Journal of Accounting and Economics*, 16 (4): 407-445.
- Stanko Brian B., Zeller Thomas L. and Melena Matthew F. (2014). "Human Asset Accounting And Measurement: Moving Forward". *Journal of Business & Economics Research*, 12 (2): 93-104.
- Wyatt, A. (2005). "Accounting Recognition of Intangible Assets: Theory and Evidence on Economic Determinants". *The Accounting Review*, 80 (3): 967-1003.